

آموزش فای ارائه شده در همایش نیویورک

۲۲ مارس ۱۹۹۷

پیش از کنفرانس فردا، مایلم بدانم آیا چیزی هست که بپرسید؛ می‌توانید امروز بپرسید.

پرسش: آیا خرج کردن پول شوهرم، از دست دادن تقوا به حساب می‌آید؟

معلم: رابطه بین زن و شوهر اینگونه است، پس این مشکل وجود ندارد. چرا اکنون این سؤال را مطرح می‌کنید؟ زیرا مردم این اخلاقیات انسانی را به تباهی کشانده‌اند. امروزه برخی افراد مدافع برابری زنان هستند که موضوع حساسی است. برخی افراد می‌گویند «ما زنان خیلی رنج می‌بریم؛ زنان باید آزاد باشند؛ مرد و زن باید مساوی باشند؛ ما زنان باید قوی‌تر باشیم.» چرا این اتفاق می‌افتد؟ زیرا برخی مردان رفتار بدی با زنان دارند، که بعد احساس می‌کنند مورد ظلم قرار گرفته‌اند. می‌توانم به شما بگویم وقتی این جامعه رو به انحطاط می‌رود، برای مردم بسیار دشوار است بفهمند عوامل پشت این انحطاط چیست یا انحطاط چگونه رخ می‌دهد؛ هر کسی دوست دارد این موضوع را از داخل خود آن موضوع مورد بحث قرار دهد.

درواقع، بگذارید بگویم چنین دفاعی از آزادی زنان نیز چیزی است که فقط بعد از انحطاط بشریت روی می‌دهد. موضوع این نیست که زنان توسط مردان مورد بدرفتاری قرار می‌گیرند؛ بلکه مردان با مردان نیز بدرفتاری می‌کنند، زنان با زنان نیز بدرفتاری می‌کنند، و مردان با زنان نیز بدرفتاری می‌کنند؛ صرفاً اینگونه است که بدرفتاری مردان با زنان بیشتر به چشم می‌آید. درواقع، زنانی نیز هستند که دارای قدرت هستند و با مردان بدرفتاری می‌کنند. این بخاطر انحطاط اخلاقی کل جامعه روی می‌دهد. واقعیت این است که رابطه بین یک مرد و یک زن رابطه‌ای بین قدرت و لطافت است، بنابراین سرکوب شدن زنان توسط مردان آشکارتر است. اما بگذارید به شما بگویم چرا می‌گویم این وضعیت غلط است، و اینکه دفاع از «استقلال» و «خوداتکایی» برای زنان اشتباه است. امروزه افراد همیشه مردم باستان را با عقاید انحطاط یافته مدرن قضاوت می‌کنند، و فکر می‌کنند که زنان در زمان‌های قدیم سرکوب می‌شدند. درواقع اصلاً این‌طور که مردم مدرن تصور می‌کنند نیست. در چین باستان - درواقع در تمام دنیا، چراکه جامعه غربی نیز این‌گونه بود - مردان می‌دانستند چگونه با زنان‌شان رفتار کنند، و نگران زنان‌شان بودند و به آنها توجه می‌کردند؛ و زنان نیز می‌دانستند مورد توجه شوهران‌شان هستند - این شیوه‌ای بود که بین و یانگ همزیستی می‌کردند. اگر دو یانگ به هم برسند مبارزه می‌کنند؛ اگر دو بین به یکدیگر برسند نیز عملی نیست. بین و یانگ متمم و مکمل همدیگرند، و در همزیستی‌شان، وابستگی متقابل دارند.

اما امروزه، همگی به این فکر کنید: وقتی از آزادی زنان دفاع می‌شود، زنان حس می‌کنند سرکوب شده‌اند و باید برخیزند. اما بعد چه اتفاقی می‌افتد؟ طلاق، جنگ و دعوا، کودکان ترک‌شده، و سایر مشکلات اجتماعی ظاهر می‌شوند. دلیل اصلی این نیست که آیا زنان آزاد شدند، بلکه بخاطر انحطاط اخلاقیات جامعه انسانی است - آیا دلیلش این نیست؟ این دلیل اصلی است. در حل یک مشکل، اگر به مسئله اصلی پرداخته نشود و یک پدیده در محدوده درون همان پدیده حل شود، تنها نتیجه‌اش این است که مشکل قبلی حل می‌شود درحالی‌که یک مشکل جدید به وجود می‌آید، و جامعه به شکلی ناپه‌ن‌جارت‌تر توسعه می‌یابد. در جامعه امروزی، بسیاری از افراد یک مشکل را در محدوده درون آن مشکل خاص ارزیابی می‌کنند و سعی می‌کنند یک بحران را با شیوه‌ای ستیزه‌جویانه حل کنند، که هرگز نمی‌تواند حل شود. انسان نمی‌داند چرا در زمان‌های اخیر اینگونه شده است. وقتی چیزی را در محدوده درون خودش مورد ملاحظه قرار می‌دهند، هر نوع قانونی برای اعمال محدودیت وضع می‌کنند. اما وقتی قلب مردم خوب نباشد، مشکلات جدید و منحرف‌شده و بدتری سر بر می‌آورد؛ سپس آنها قوانین بیشتری وضع می‌کنند. بشر

اینگونه خودش را مهر و موم می‌کند، و در آخر تا حدی خودش را مسدود می‌کند که هیچ راهی برای بیرون آمدن از آن باقی نمی‌گذارد. بیشتر اینکه، این چیزها همراه خود، مشکلات اجتماعی بیشتر و بیشتری به همراه می‌آورد.

طبق نظریه بین و یانگ، زنان باید لطیف باشند و نه قوی. مردان یانگ و قوی هستند، درحالی‌که زنان بین و لطیف هستند. وقتی قدرت و لطافت کنار هم قرار بگیرند، مطمئناً به هماهنگی واقعی می‌رسند. امروزه، این‌طور نیست که مردان دوست داشته باشند با زنان بدرفتاری کنند، اما این جامعه است که به انحطاط رفته است. هم مردان و هم زنان با هم بدرفتاری می‌کنند. در همین حین، در دوران مدرن، وارونگی بین و یانگ رخ داده است، و این بیشتر در چین قابل رؤیت است. به ورزشکاران نگاه کنید- زنان همیشه مدال بیشتری کسب می‌کنند، درحالی‌که مردان به ندرت مدالی می‌برند. من فقط یک نکته را به تصویر می‌کشم. چرا بین بسیار قوی است و یانگ در همه چیز خیلی ضعیف است؟ این عامل به علت وارونگی بین و یانگ است. و بعد عوارض جانبی دفاع از به اصطلاح آزادی زنان وجود دارد. این انحطاط اخلاقی جامعه است که منجر به تغییراتی در قلب افراد جامعه می‌شود. درواقع، زنان از اعماق درون، دوست ندارند شوهرانشان مثل بره یا مثل زنان باشند، درست است؟ آنها از اینکه شوهرانشان به قدر کافی مردانه نباشند و قوی و محکم نباشند بیزارند. اما وقتی مردان قوی و محکم می‌شوند، زنان نمی‌توانند با آن کنار بیایند. آیا این حقیقت ندارد؟

مردم نمی‌دانند که به علل اساسی انحطاط تمام پدیده‌های بشری و علل اصلی هر چیز دیگری نگاه کنند. آنها مشکلات خاص را در محدوده درون آن مشکلات حل می‌کنند؛ وقتی مشکلاتی در اینجا سر بر می‌آورند، آنها قوانینی وضع می‌کنند؛ و در انتها طوری خودتان را مسدود می‌کنید که انگار در آن زندانی شده‌اید و نمی‌توانید تکان بخورید. عاقبت، قوانین نمی‌توانند هیچ راهی برای خروج ارائه کنند. قانون‌گذاران همگی می‌خواهند دیگران را کنترل کنند؛ آنها فکر نکرده‌اند چگونه قوانین به نوبه خود، خود آنها را نیز مهار می‌کند. انسان‌ها بخاطر چیزهایی که برای خودشان ایجاد کرده‌اند رنج می‌برند- آیا اینگونه نیست؟ این دلیل آن است که چرا شما نباید از جریان انحراف ارزش‌های جامعه پیروی کنید، با جریان آب هم‌سو شوید، یا امواجی را ایجاد کنید- «زآنجا که مردم عادی می‌خواهند آن را اینگونه انجام دهند، ما هم پیرو آنها خواهیم بود.» برای همین می‌گویم ما نمی‌توانیم مثل مردم عادی باشیم. مردم عادی نمی‌توانند این چیزها را ببینند.

راه نهایی خروج نوع بشر، در بکار بردن یک مشت «قانون» برای نظم دادن به مردم نیست، بلکه در تزکیه تقوا در تمام کشور است. اگر اخلاقیات مردم بهتر شود، هیچ یک از این چیزها مانند بدرفتاری مردم با یکدیگر وجود نخواهد داشت، و مردم به هم احترام خواهند گذاشت- آیا هنوز آنقدر افراد بد وجود خواهند داشت؟ حتی به پلیس هم دیگر نیازی نخواهد بود. «اگر من خودم بهتر از زمانی که پلیس مراقبم بود رفتار کنم، دیگر به پلیس چه نیازی است؟» اگر همه تقوا را محترم بشمارند، دیگر به قوانین چه نیازی است؟ همانطور که همه شما می‌دانید در چین باستان- در دیگر بخش‌های دنیا هم همین‌طور بود- وقتی استاندارد اخلاقی بشری خیلی بالا بود، آن قوانین وجود نداشتند. آنها قوانین نداشتند! فقط یک قانون ساده پادشاه وجود داشت. مردم از اخلاقیات به‌عنوان استاندارد برای قضاوت خوب و بد استفاده می‌کردند. اینکه آیا کاری که کردید درست بود یا نه به ارزش‌های اخلاقی شما بستگی داشت. «این شخص هیچ تقوایی ندارد»- این جمله به تنهایی او را قضاوت می‌کرد. قاضیان در شهرها نیز اینگونه برای پرونده‌ها تصمیم‌گیری می‌کردند. شخصی بدون تقوا با چوب بامبو تازیانه می‌خورد، و اگر این کافی نبود سرش را می‌زدند- «این شخص دیگر انسان نیست، او را گردن بزنید.» او اخلاقیات بشر را تباه می‌کرد، بنابراین از بین برده می‌شد. بشر در حالیکه در این دنیا زندگی می‌کند، دارای استانداردهای اخلاقی و راه و رسم انسانی رفتار اخلاقی است. بدون این چیزها آنها درست شبیه حیوانات هستند، پس چرا باید آنان را نگه داشت؟ و آنها را از بین نبرد؟ اکنون خیلی دشوار است تفکر نوع بشر امروزی را تغییر داد. شما مسئله زنان را که امروز رخ داده است دیده‌اید. اما آیا در دیگر عرصه‌ها نیز همین‌طور نیست؟ مشکلات اجتماعی زیادی در اجتماع انسانی وجود دارد. تنها راه خروج، اصلاح فکر مردم است.

پرسش: افراد جوان می‌خواهند ازدواج کنند. آیا این یک وابستگی است؟

معلم: چون تعداد افرادی که حتی در سرزمین اصلی چین به معابد می‌روند زیاد نیستند - چه برسد به سفیدپوست‌ها و دیگر قومیت‌ها - اگر قرار بود من راهب بشوم و فا را در معابد آموزش بدهم، غیرممکن می‌بود آنهایی که در میان اجتماع عادی هستند و می‌توانند فا را کسب کنند را بطوری وسیع قادر ساخت فا را بدست آورند. از آنجا که آن را در جامعه آموزش داده‌ام، و این شکل را بکار برده‌ام تا شما را قادر سازم فا را به دست آورید، باید روشی اتخاذ می‌کردیم که با شیوه‌های این جامعه همساز باشد، با شیوه‌های معمول زندگی افراد همساز باشد، و همچنین افراد را قادر می‌کردیم تا تزکیه را تمرین کنند. بنابراین نظم و ترتیب‌های دقیقی در مورد شکل آموزش فا و در مورد جزئیات چیزهای مختلف ایجاد کرده‌ایم.

اگر به معبد یا صومعه‌ای رفته بودم می‌توانستم مجرد بمانم. اما همچنین می‌دانستم در آینده افراد بسیاری خواهند بود که این فا را یاد خواهند گرفت. هر کسی در آینده درباره آن خواهد دانست - چه از نژاد سفید، یا نژاد زرد باشید یا هر نوع شخصی که باشید مطمئناً آن را خواهید دانست. پس مشکل بسیار بزرگی پیش می‌آمد: اگر دیگر کسی ازدواج نکند چه اتفاقی می‌افتد؟... آنها می‌خواهند مثل من باشند. چون وقتی فا را آموزش می‌دهم همزمان با عملکردهایم در حال قرار دادن یک الگو هستم، به نظر می‌رسد هر حرکتی که انجام دهم - حتی شیوه لباس پوشیدنم - توسط بعضی‌ها کپی می‌شود. بنابراین به این جور مسائل، چه بزرگ و چه کوچک، توجه ویژه‌ای داشته‌ام. نه تنها فایی که آموزش می‌دهم درست و راستین است، خود من هم باید درست و راستین باشم. تصویری که من در آن یک کاسا یا پوشیده‌ام برای مریدان آینده که تمام وقت تزکیه می‌کنند باقی خواهد ماند. اما آموزش فای بودا توسط من در جامعه بشر عادی با یک کتشلوار غربی، از آغاز زمین و آسمان اولین بار و بی‌سابقه است. از آنجایی که فا به این روش آموزش داده می‌شود، تزکیه ما باید با روش این جامعه همساز باشد.

اگر خطایی انجام دهم، بشر آینده تغییر بزرگی خواهد کرد. همه شما می‌دانید بوداها گوشت نمی‌خورند. روش‌های تزکیه بسیاری وجود دارند. با آنکه همه آنها مانند بودیسم در مورد گوشت خوردن مطلق نیستند، اما تزکیه نیازمند عدم وابستگی به گوشت است. از آنجا که من این فا را میان افراد عادی آموزش می‌دهم و از تزکیه‌کنندگان می‌خواهم در میان مردم عادی تزکیه کنند، با آن تعداد افراد بسیاری که آن را یاد می‌گیرند، اگر گوشت نخورم، مردم در آینده آن را نخواهند خورد، و سبک زندگی و رژیم غذایی بشر تغییر خواهد کرد. اما خدایان می‌دانند که گوشت می‌تواند اساساً بدن انسان را بسیار قوی کند، و این عملکرد نمی‌تواند جای خود را به غذاهای گیاهی بدهد - مطمئناً اینطور است. البته، برای ما تزکیه‌کنندگان فرق دارد. برعکس، سلامتی یک تزکیه‌کننده بدون خوردن گوشت کاملاً خوب است، که بخاطر تزکیه است. در مورد یک شخص عادی، اگر تزکیه را تمرین نکند و گوشت نخورد، سوءتغذیه می‌گیرد - مطمئناً این گونه است.

درخصوص ازدواج نکردن، اگر هیچ زاد و ولدی وجود نداشته باشد آیا بشر خاتمه نمی‌یابد؟ ما همه چیز را در نظر گرفته‌ایم. این درست است که قانونی برای تزکیه‌کنندگانی که راهبان بودیستی شده‌اند وجود دارد که ازدواج را ممنوع می‌کند. اما در دیگر روش‌های تزکیه، این مطلق نیست. در گذشته، تمرین تزکیه الزامات متفاوتی برای افراد داشت که بخاطر دوره‌های تاریخی متفاوت، دوره‌های تاریخی متفاوت نوع بشر، یا دوره‌های متفاوت تمدن‌های بشریت بوده است.

هدف از ازدواج نکردن، از بین بردن دو موضوع بشری است - امیال و کشش جنسی. اما هنگامیکه در میان مردم عادی تزکیه می‌کنید در آغاز این امر نمی‌تواند درست انجام شود، زیرا بشر هنوز نیاز دارد تکثیر شود. و ما افراد زیادی را داریم که در جامعه مردم عادی تزکیه می‌کنند. بنابراین اگر از تزکیه‌کنندگان بخواهید در جامعه مردم عادی تزکیه کنند اما از آنها بخواهید از روش‌های زندگی افراد معمولی در جامعه نیز دست بکشند... جامعه بشری به هیچ‌وجه اجازه محو شدن ندارد! شما فکر می‌کنید بشر خوب نیست، اما آن، بخشی از این کیهان ما است، که تمام مسیر از بالا به پایین در حال گسترده شدن است، و همچنین بخشی از تجلی فا در پایین‌ترین سطح است. بشر نمی‌تواند از موجودیت باز بایستد. اما اگر شما به‌عنوان یک فرد نخواهید ازدواج کنید اشکالی ندارد. این یک موضوع شخصی است، و غلط نیست. اما یک نکته وجود دارد: ازدواج نکردن شخص یک وابستگی نیست. نباید به اشتباه درگیر مانع دیگری شویم - اینکه فرد به‌خاطر رسیدن به کمال مجبور است دنیای مادی را ترک کند.

به‌عنوان مثال، افرادی که روش‌های تزکیه‌ای را دنبال کرده‌اند که طی هزاران هزار سال منتقل شده‌اند، ازدواج نمی‌کنند - چه روش‌های مدرسه بود، مدرسه داتو، کاتولیک اصلی و مسیحیت باشد یا آنهایی که در کوه‌ها تزکیه می‌کنند. بنابراین، این موضوع باعث شده مردم باوری را در درک خود شکل دهند: تا زمانی که یک شخص تزکیه می‌کند، نمی‌تواند ازدواج کند. وقتی دافای ما امروز در دنیا گسترش می‌یابد این یک تداخل بزرگ است. مطمئن شوید که اجازه نمی‌دهید این مانع باعث شود مریدانی که در دنیای مادی تزکیه می‌کنند ازدواج نکنند. امروزه شکلی که تزکیه ما به خود می‌گیرد برای بهبود شما در میان پیچیده‌ترین گروه مردم است، به جای اینکه بیشتر برای بهبود روح کمکی شما یا تزکیه چیز دیگری باشد. بنابراین شما باید قلبتان را در میان پیچیده‌ترین مردم عادی آبدیده کنید. مریدانی که در دنیای مادی تمرین می‌کنند باید با روش‌های جامعه انسان عادی همساز شوند. این بخشی از این فای مستحکم و هماهنگ است. متوجه می‌شوید چه می‌گوییم؟ اما میل و کشش جنسی وابستگی‌هایی هستند که قطعاً باید از بین بروند. اجازه ندهید آن روش‌های تزکیه باستانی یا روش‌های تزکیه در آن مذاهب باستانی این سوءتعبیر را ایجاد کنند که ما هم باید به آن شیوه تزکیه کنیم. قضیه از این قرار نیست. شکل تزکیه امروز ما روش تزکیه‌ای است که من برایتان باقی گذاشتم، از جمله الزامات متعدد برای شیوه‌ای که این فای ما در جامعه امروزی منتشر می‌شود - تمام اینها برای نسل‌های آینده باقی گذاشته می‌شود.

شما همگی در مورد اصول و قواعد صریح ما می‌دانید. مثلاً، ما درگیر سیاست نمی‌شویم؛ ما برای اداره امور، سازمان‌های مشخصی تأسیس نمی‌کنیم؛ ما سلسله‌مراتب ایجاد نمی‌کنیم؛ و با پول سر و کاری نداریم. این فاکتورها قطعاً به افراد رتبه رسمی نمی‌دهد. مهم نیست چه کار می‌کنید یا رده اجتماعی شما چقدر بالا باشد - این تأثیری بر تزکیه شما نخواهد گذاشت. آنها مسائل جامعه افراد عادی هستند؛ تزکیه شما تزکیه شما است. باید بین آنچه که در میان افراد عادی انجام می‌دهید و تزکیه‌تان، تمایز قائل شوید - آنها دو موضوع متفاوت هستند. مثلاً، اگر کاری که میان افراد عادی انجام می‌دهید به سود جامعه بشر عادی و انسانیت است، تقوا جمع می‌کنید اما تزکیه نمی‌کنید - اینها دو موضوع متفاوت هستند، بنابراین باید مطمئن شوید آنها را با هم یکی نمی‌دانید. بعضی افراد می‌گویند: «من در کارم تقوا جمع می‌کنم و کارهای خوب انجام می‌دهم، بنابراین در آینده به کمال خواهیم رسید.» اگر شخصی بطور واقعی تزکیه نکند، حتی اگر رئیس یا رهبر یک مذهب شود، یا حتی معابدی بسازد و مجسمه‌های بودا بنا کند، به کمال نخواهد رسید. این یک فکر خودپسندانه است. کار، کار است، و هرگز نمی‌تواند جایگزین تزکیه شود؛ تزکیه، تزکیه است؛ مسائل افراد عادی، مسائل افراد عادی هستند. انجام کارهای مذهبی، مثل انجام کارهایی برای افراد عادی است؛ آنهایی که زندگی مذهبی در پیش گرفته‌اند بودا نیستند. بوداها قلب افراد را تصدیق می‌کنند، اما نه مذاهب را. اینها دو موضوع متفاوت هستند - آنها را با هم مخلوط نکنید.

پرسش: معلم، از طرف شاگردان در شینژن و گوانگجو ما بایم درود و تهنیت آنها را به شما برسانم. پیش از اینکه بیایم، از من درخواست کردند حتماً این پیام را برسانم.

معلم: به آنها بگویید معلم در قلب خود مدام به تمام مریدانش فکر می‌کند.

پرسش: دانش‌آموزان دبیرستان که با امتحانات ورودی کالج روبرو هستند واقعاً مشغول تکالیف مدرسه‌شان هستند و کمتر تمرین‌ها را انجام می‌دهند. در این شرایط باید چه کار کرد؟

معلم: مشکلی نیست. حرکات در تمرین‌های تزکیه ما، یک وسیله تکمیلی برای رسیدن به کمال است. گرچه مهم هستند، ولی آنچه مهم‌تر است این است که ما قلب و ذهن مان را تزکیه کنیم. اگر شما همیشه خودتان را در اعماق درون‌تان یک تمرین‌کننده در نظر بگیرید و اگر برای یک دوره - حتی اگر مدتی طولانی باشد - آنقدر مشغول باشید که نتوانید تمرین‌ها را انجام دهید، اما در اعماق درون‌تان همیشه خودتان را یک تمرین‌کننده در نظر بگیرید و خودتان را مطابق الزامات حفظ کنید، گونگ شما هنوز هم رشد خواهد کرد. اما یک موضوع وجود دارد: اگر اینگونه فکر کنید قابل قبول نیست: «پس چون معلم چنین گفته، دیگر تمرین‌ها را انجام نخواهیم داد.» این به افراطی دیگر رفتن است. از آنجا که موقعیت‌های خاصی وجود دارد، ملاحظات خاصی در نظر

گرفته می‌شود. چون فای بودا بی‌حد و حصر است. معنی «فای بودا بی‌حد و حصر است» چیست؟ آن روش‌های نامحدودی دارد؛ مطابق با شرایط هر شخص، روش‌های زیادی برای نجات افراد وجود دارد.

پرسش: معلم، آیا فردا فیلم‌برداری مجاز است؟

معلم: شاید شنیده‌اید که در سرزمین اصلی چین، افراد زیادی این فا که ما درس می‌دهیم را یاد می‌گیرند، و من دیگر سخنرانی نمی‌کنم. و با شاگردان در سرزمین اصلی چین ملاقاتی هم ندارم. در واقع، شاگردان سرزمین اصلی چین را سه سال است که ملاقات نکرده‌ام. اما تعداد افراد بیشتر و بیشتری در حال یادگیری هستند، و این توجه جامعه را جلب کرده است. آنها می‌بینند که افراد زیادی در حال یادگیری هستند. به علاوه بعد از اینکه مردم آن را یاد بگیرند همگی حس می‌کنند که این خوب است. به قول شما تمرین‌کنندگان، بعد از اینکه افراد آن را یاد می‌گیرند همگی در تزکیه بسیار قاطع و استوار می‌شوند. سپس وقتی تعداد افراد، قابل ملاحظه می‌شود، شاید باعث شود برخی افراد در جامعه چینی کمی فکر کنند. بسیاری افراد شاید من و فا را با تفکر بشر عادی ارزیابی کنند. حتی انجام کارهای خوب برای مردم نیز خیلی سخت است، چون ذهن مردم درست نیست. ما سعی می‌کنیم از این مشکلات غیرضروری اجتناب کنیم. برای همین طی دوره اخیر وقتی در برخی کشورها شاگردان را ملاقات کردم، به آنها گفتم صدا برداری یا فیلم‌برداری نکنند. علتش چه بود؟ برای اینکه پخش شدن این چیزها در چین را به حداقل برسانم. با اینکه ما درگیر سیاست نمی‌شویم - مشخص است که هیچ سؤال سیاسی اینجا پرسیده نمی‌شود - افراد بد شاید با نقل قول کردن از ما بدون در نظر گرفتن متن، آسیب‌هایی برسانند، چون می‌خواهند دردسر درست کنند. دلیل اصلی، اجتناب از دردسر است تا اینکه این فای ما بتواند بصورت صحیح و بدون هیچ اشتباه یا تحریفی برای بشر و برای آینده باقی بماند. اگر لطمه‌ای غیرضروری را تجربه کنیم، در آینده مایه تأسف می‌شود. نمی‌توانیم فقط به زمان حال فکر کنیم.

چه ضبط صدا باشد چه تصویر، مطمئناً در آینده باقی نخواهد ماند - مطمئناً اینطور است. همانطور که می‌دانید، برخی از آنها قبلاً پاک شده‌اند؛ یعنی، برخی فیلم‌ها که پیش از این گرفته شده هم‌اکنون تصاویرشان پاک شده‌اند، و نوارهای صوتی صدایشان را از دست داده‌اند. آنها به تدریج پاک می‌شوند. بعضی چیزها نمی‌توانند به این گونه نگهداری شوند. هنگامی که دیگران چیزی را می‌شنوند که مختص شرایط شما گفتم، چون خودشان شرایط متفاوتی دارند آن را طور دیگری درک می‌کنند. جوآن فالون برای مطالعه همه مناسب است. شرایط اینطور است. به خودتان بستگی دارد که چه می‌کنید. جواب مطلق در این مورد نداده‌ام.

پرسش: معلم، من اهل شانگهای هستم. مریدان شانگهای واقعاً بسیار دلتنگ شما هستند. بعد از اینکه از آخرین کنفرانس تبادل تجربه بین‌المللی برگشتم، به آنها گفتم که شما را دیدم، و همه اشک ریختند. از من خواستند درود و احترام‌شان را به شما برسانم.

معلم: به آنها بگویید از اینکه هنگام آموزش این روش به شانگهای نرفتم متأسفم. چون در آن زمان می‌خواستم یک مسیر درست برای این فا به‌جای بگذارم، مانند دیگر استادان چی‌گونگ نبودم که مثل دستفروشان گیاهان وحشی در خیابان رفتار می‌کنند یا در اطراف می‌گردند تا به شیوه خودشان تجارت کنند. فقط وقتی توسط سازمان‌های چی‌گونگ محلی، انجمن تحقیق و علوم چی‌گونگ، یا سازمان‌های دولتی دعوت می‌شدم می‌رفتم. شانگهای دعوتی ارائه نکرد، برای همین این موضوع به تأخیر افتاد. زمانی که بعدها دعوت فرستاده شد، من دیگر آموزش تمرین را متوقف کرده بودم. اما بسیار متأسفم که برای آموزش فا به این شهر بزرگ در چین نرفتم. شانگهای، در کنار پکن بزرگ‌ترین شهر چین است. البته، می‌دانم که اکنون افراد بسیاری در شانگهای فا را مطالعه می‌کنند. آنچه خوشحالم می‌کند این است که گرچه به آنجا نرفتم، به نظرم روند سراسری انتشار و توسعه دافا در شانگهای بی‌عیب و نقص بوده است، و آنها محکم و استوار آن را مطالعه کرده‌اند - این خوب است.

پرسش: معلم لی، من مریدی از پکن هستم. تمام مریدان در پکن سلام و درود خود را به شما می‌فرستند.

معلم: کسانی که در پکن هستند، و در واقع نه فقط پکن - تمام شاگردان در بسیاری از مناطق - من هم دلتنگ شما هستم. اما برای ملاقات با شما تردید دارم، زیرا هنگامی که شما را ملاقات کنم، اگر یک نفر مرا ببیند، در عرض چند ساعت ده‌ها نفر می‌آیند؛ شاید چندین هزار نفر در یک روز بیایند؛ و شاید روز بعد ده‌ها هزار نفر بیایند. شاید مردم از مناطق دیگر نیز بیایند - درست مثل امروز که افراد بسیاری از مناطق دیگر آمدند. بعد این منجر به واکنش‌های منفی در جامعه می‌شود، بنابراین نمی‌توانم با شما ملاقات کنم. اما به این نیز فکر می‌کنم که چون ما توانسته‌ایم فا را بدون مشکلات ناشی از یک سیستم سخت اجتماعی، منتشر کنیم، آزمونی را در یک دوره بسیار سخت تاریخی گذرانده‌ایم. پس هر زمانی در آینده تاریخ قادر خواهیم بود شکست‌ناپذیر باقی بمانیم، درست است؟

پرسش: شاگردانی داریم که کپی‌هایی از جوآن فالون را از هنگ‌کنگ و چین آورده‌اند. آیا فروختن این کتاب‌ها در سالن کنفرانس اشکالی ندارد؟

معلم: اگر کپی‌هایی از جوآن فالون در دست دارید، می‌خواهید کار خوبی برای افراد حاضر در کنفرانس انجام دهید، و کارها را برای شاگردانی که کتاب ندارند راحت‌تر کنید، فکر نمی‌کنم اشکالی داشته باشد - می‌توانید این کار را انجام دهید. چون به دنبال شهرت و منفعت شخصی نیستید، اشکالی ندارد. اما پیش از اینکه این کارها را بکنیم، باید بگذاریم افراد مسئول در ایالات متحده بدانند تا از هر نوع تأثیرات جانبی جلوگیری شود. فکر نمی‌کنم مشکلی باشد.

کسانی از شما در اینجا که من را دفعه قبل ملاقات کردید قبلاً از یک دوره تزکیه گذشته‌اید. فکر کنم به سطح مشخصی از درک فا رسیده‌اید و غیرمسئولانه رفتار نخواهید کرد. چرا من آنقدر مطمئن هستم؟ زیرا شما می‌دانید من چه چیزی را آموزش می‌دهم. ما هیچ چیز نمی‌خواهیم - به جز قلب مردم. اگر قلب این افراد نتواند تغییر کند، این فا به هیچ کاری نمی‌آید. هیچ شکل زورگویانه و اجباری نمی‌تواند قلب مردم را تغییر دهد، پس ما این قانون یا آن قانون را درست نکرده‌ایم یا شما را ملزم به انجام این کار یا آن کار نکرده‌ایم - ما این کار را نمی‌کنیم. اینکه فا می‌تواند خودش را قادر سازد که بطوری سالم گسترش پیدا کند، و می‌تواند افراد بیشتر و بیشتری را برای یادگیری داشته باشد، و می‌تواند چنین نقش خوبی در جامعه ایفاء کند، همگی بخاطر این است که فا پیشاپیش در قلب مردم بوده است، زیرا آنها می‌دانند چطور خودشان را اداره کنند، و بخاطر این است که آنها دیگر به کسی نیاز ندارند که به آنها بگوید چه کار کنند و به من نیازی ندارند تا به آنها بگویم چکار کنند. برای همین است که من زیاد نگران این مورد نیستم. اگر یکی از ما که در اینجا حضور داریم کارها را بخوبی انجام ندهد، بقیه ما فوراً متوجه آن می‌شویم. فا اینجاست؛ شما فا را دارید تا با آن مسائل را ارزیابی کنید. قطعاً این گونه عمل می‌کند.

پرسش: معلم گفته‌اند این فا نه تنها در بین ما چینی‌ها بلکه میان نژادهای دیگر نیز باید گسترش یابد. امیدواریم معلم بتوانند یک راهنمایی ارائه دهند در مورد اینکه چطور این فا بطور گسترده‌ای میان بقیه مردم منتشر شود.

معلم: در این مورد نیز هیچ قانون خاصی نداریم. فا برای مردم عمومی شده است. تاکنون، کتاب به زبان‌های آلمانی، ژاپنی، کره‌ای، فرانسوی، انگلیسی، روسی و سایر زبان‌ها ترجمه شده است. به هر حال، تعدادشان زیاد است. همچنین، ترجمه ایتالیایی نیز ظاهراً در راه است، و ترجمه به زبان‌های دیگر هم شدیداً در حال انجام است.

گروه‌های ترجمه روی چنین مواردی کار می‌کنند، زیرا هنگامی که مطالب آماده باشند مردم می‌توانند آنها را بخوانند. در مورد چگونگی انتشار [فا]، هیچ قانونی نداریم که دیکته کند این کار باید به این شیوه یا به آن شیوه انجام شود. به نظرم هنگامی که این فا را منتشر می‌کنیم باور داریم این فا خوب است، و بنابراین مردم برای آن ارزش قائل‌اند. دقیقاً بخاطر اینکه خوب است، شما می‌خواهید در مورد آن به بقیه بگویید. بنابراین شیوه اشاعه فا کاملاً قلب به قلب و شخص به شخص است. اساساً اینگونه منتشر می‌شود. در چین، هم‌اکنون بیش از بیست میلیون نفر حقیقتاً تزکیه می‌کنند. اگر افرادی که گهگاه تزکیه می‌کنند را به حساب آوریم، حالا صد میلیون نفر می‌شوند. اما در ظاهر بی‌صدا و آرام پدیدار می‌شوند و افراد جامعه از آن بی‌خبرند. یعنی، هر

کسی آن را قلب به قلب منتقل می‌کند- با زبان شفاهی و از قلبشان. این از قبل یک مسیر کاملاً بزرگ را تشکیل داده است. هیچ قوانین خاصی وجود ندارد، و هرکسی این کار را از روی اراده آزاد خودش انجام می‌دهد. درک می‌کنید منظورم چیست؟ ما هیچ نوع تشریفات را ملزم نمی‌کنیم، زیرا مدرسه بودا رهایی تمام موجودات ذی‌شعور را آموزش می‌دهد- نجات مردم. اینگونه نیست که شما می‌روید مردم را نجات می‌دهید، زیرا شما هنوز تزکیه می‌کنید و قطعاً نمی‌توانید مردم را نجات دهید. اما معرفی فا به دیگران بهترین راه برای کمک به آنها در به دست آوردن فا است. مردم در آینده خواهند فهمید این چقدر با ارزش است. مهم نیست چقدر پول به کسی می‌دهید یا چه چیزهای خوبی به کسی می‌دهید، این به اندازه دادن فا به آنها خوب نیست. فا می‌تواند یک منطقه، یک ملت، یک کشور یا حتی بشر را قادر سازد تا اخلاقیات خود را بازسازی کند و شاد، در صلح و صفا و در هماهنگی باشد. فقط با این چیزها بشر می‌تواند به شیوه سالمی توسعه یابد.

پرسش: پس از یادگیری فای فالون بودا، اولین کاری که می‌خواستم انجام دهم این بود که سخت تلاش کنم و به خوبی عمل کنم. وقتی واقعاً کاری برای انجام ندارم کتاب را می‌خوانم.

معلم: آیا این بهترین نیست؟ شاید برخی از مسائلی که در زندگی‌تان، سر کار یا در جامعه، با آنها مواجه می‌شوید، بتواند به شما کمک کند تا در ارتباط با وابستگی‌های مشخصی بهتر شوید. وقتی با چیزی مواجه می‌شوید، شاید برای از بین بردن وابستگی‌هایتان باشد یا برای کمک به شما در کاری باشد. وقتی کسی قدم در راه تزکیه می‌گذارد، از آن پس در زندگی‌اش هیچ چیز بطور تصادفی نخواهد بود. از آنجا که تزکیه شما به شکل سازمان یافته‌ای نظم و ترتیب داده شده است و زمان آنقدرها زیاد نیست، پس احتمالاً هیچ چیز تصادفی وجود ندارد. همه چیز به‌طور فشرده نظم و ترتیب داده شده است. با مسائلی که ظاهراً تصادفی و کم اهمیت هستند و در زندگی روزمره با آنها مواجه می‌شوید طوری برخورد نکنید که انگار تصادفی هستند، زیرا مسائل عجیب زیادی نمی‌توانند برای شما روی دهند و شما نمی‌توانید برای تمرین تزکیه به بُعد دیگری بروید- قادر نخواهید بود به این شکل قلب و ذهن خودتان را رشد دهید. شما هنوز در حالتی هستید که میان مسائل دنیوی هستید، مشکلات شما هنوز مشکلات مردم عادی است، طرز زندگی شما هنوز مانند یک انسان معمولی است، و چیزهایی که با آنها مواجه می‌شوید آنقدرها با قبل تفاوت ندارد. اما اگر با دقت در موردش فکر کنید، یکسان نیستند. همه آنها می‌آیند تا شما را قادر سازند در تزکیه بهتر شوید.

پرسش: شما جن-شن-رن را آموزش می‌دهید. ممکن است کسی در شرایط خاصی به دیگران خیانت کند، و در این شرایط ما قول داده‌ایم به دیگران کمک کنیم تا به آن شخص نابکار درسی بدهند.

معلم: طرز فکر ما اینگونه است، و در کتاب نیز هست: وقتی با یک مسئله معمولی روبرو می‌شوید که شما را واقعاً خشمگین می‌کند و می‌خواهید دخالت کنید، اینطور نیست که اجازه نداشته باشید. وقتی با آن مواجه می‌شوید اشکالی ندارد چند کلمه بگویید. شاید کلمات شما تأثیری نداشته باشند، یا شاید چیزی که می‌گویید بی‌ربط باشد، زیرا نمی‌توانید چیزی که پشت کشمکش آنها است را ببینید، یعنی، اینکه رابطه کارمایی آنها چیست. مثلاً، دو نفر هستند، و یکی از دیگری مشت می‌خورد. شما از دیدگاه یک شخص عادی فکر می‌کنید آن کسی که مشت را زده اشتباه کرده است- چرا به آن شخص مشت زد؟ اما اگر زمان را به عقب برگردانید متوجه می‌شوید در نیمه اول زندگی آن شخص، یا در زندگی قبلی آن شخص، او یکبار به این شخص مشت زده است. وقتی ما تزکیه‌کنندگان به کسی نگاه می‌کنیم، نمی‌توانیم به یک دوره زندگی او نگاه کنیم؛ باید به تمام هستی او نگاه کنیم. آن شخص به این فرد بدهکار است.

برای پلیس منطقی است که این چیزها را اداره کند، و این با اصول دنیوی افراد عادی سازگاری دارد که مردم عادی را اداره کنند- این کارها هیچ اصولی را زیر پا نمی‌گذارد. اما من می‌گویم تزکیه‌کنندگان باید کمتر دخالت کنند و سعی کنند هنگامی که این چیزها را می‌بینند اصلاً دخالت نکنند. چرا؟ زیرا وقتی شما دخالت می‌کنید خیلی احتمال دارد که آن را بطور ناصحیح اداره کنید. وقتی قرار نیست به آن صورت باشد اما شما، یک تزکیه‌کننده، به انجام این به آن صورت اصرار کنید، ممکن است با تأخیر انداختن این چیزها یا خراب کردن آنها کارما ایجاد کنید. در ابتدا آن خدا برایش نظم و ترتیب داده بود تا کارمایش را در این

زندگی پرداخت کند، اما حالا نمی‌تواند آن را پرداخت کند، و هر دوی آنها مجبورند فرصتی پیدا کنند تا دوباره آن را انجام دهند. منظور من این است. اما هنگامی که به چیزهای وحشتناکی مثل قتل یا ایجاد حریق بطور عمدی برخورد می‌کنید و توجهی به آن نکنید، آن مشکلی در *سین‌سینگ* است. شما یک تزکیه‌کننده هستید، اما حتی یک خدا هم در برابر این چیزها کاری انجام می‌دهد، درست؟ اما از طرفی، شاگردان ما بطور معمول به‌ندرت با چنین چیزهایی مواجه می‌شوند، یا هرگز مواجه نمی‌شوند. به عبارتی، این چیزها در زندگی شما برایتان نظم و ترتیب داده نمی‌شود، زیرا چیزها باید راهنمای رشد و بهبود *سین‌سینگ* شما باشند. اگر این چیزها بی‌فایده باشند، تحت شرایط معمولی شاگردان ما به‌ندرت با آن روبرو می‌شوند یا تقریباً هرگز با آنها برخورد نخواهند کرد.

همینطور در مورد خیانت به کسی یا به یک فرد عادی قول چیزی را دادن، اینها همگی موضوعات مردم عادی هستند. هنگامی که تزکیه می‌کنید، نیاز دارید تا این چیزها را با فاسنجید و خود را در حد استاندارد یک تزکیه‌کننده نگه دارید. اگر همه چیز- آن «خیانت» یا «آن قول دادن به یک فرد عادی»- را با استانداردهای افراد عادی بسنجید آیا شما فقط یک فرد عادی نیستید؟

پرسش: دانش‌آموزان خارج، همگی در آمریکا مشغول خواندن علوم کسل‌کننده طبیعی با یک نوع وابستگی هستند.

معلم: شاید فردا در این مورد صحبت کنم. به شما این اصول را خواهم گفت: تاریخ بشر و علم بشری در واقع یک اشتباه است. بنیان پیشرفت آن، و همچنین بنیان درک نوع بشر، طبیعت و ماده همگی اشتباه هستند. و این منجر به آسیب اخلاقی در جامعه امروز بشر شده است. این مسئله بزرگی است؛ فردا در مورد آن صحبت خواهم کرد. اما یک نکته وجود دارد: اگر بشر هیچ دانشی نداشت، امروز مردم قادر نبودند *حوآن فالون* را بخوانند، یا حداقل نمی‌توانستند معنای درونی بالاتر و عمیق‌تر درون آن را ببینند. بنابراین احتمالاً فراگرفتن دانشی که اکنون دارید نیز تصادفی نیست. بشر آینده یک بنیان علمی جدید را توسعه خواهد داد، بنابراین آنها به دانش نیز احتیاج خواهند داشت.

به نظر من وقتی زمانش فرا برسد به‌عنوان یک مرید دافا خودتان بطور طبیعی می‌دانید چکار کنید. شاید این چیزها نیز تصادفی نباشند. بنابراین حالا شما فقط لازم است چیزی را که باید یاد بگیرید بیاموزید و به‌عنوان چیزی که به آن وابسته‌اید در نظر نگیرید. شنیده‌ام یک دانش‌آموز تمرین‌کننده، مدرسه را رها کرده زیرا از اول وقتی به آمریکا آمد کار اشتباهی کرده بود. من می‌گویم، شاید ابتدا کار اشتباهی کرده بود، اما حالا به اشتباه قبلی‌اش اضافه می‌کند. چون آنچه پیش آمده، پیش آمده است، از روی عمد مشکلاتی به زندگی آینده‌تان اضافه نکنید- برخی اشتباهاتی که مرتکب شدید به شیوه‌ای مشابه نمی‌تواند تصحیح شود. شما در قلبتان می‌دانید که کار اشتباهی کرده‌اید، می‌دانید در آینده آن را به آن شکل انجام نخواهید داد، و وقتی نوبت به این موارد می‌رسد، تا زمانی که در آینده بهتر عمل کنید و بطور موفقیت‌آمیزی برای آن تصمیم بگیرید اشکالی ندارد. آنوقت فکر نمی‌کنم مشکلی باشد. با وجود این مسائل، لازم نیست برگردید تا مسئله را برگردانید و برای گذشته چیزی بپردازید بخاطر اینکه اشتباه انجامش دادید- ما به این شکل عمل نمی‌کنیم. به عبارت دیگر، در تزکیه‌تان در دسر درست نکنید، و در زندگیتان در دسر درست نکنید. برای دانش‌آموزان، در حال حاضر فقط می‌توانیم بگوییم خوب درس بخوانید- چون شما دانش‌آموز هستید باید خوب درس بخوانید.

حتی اگر کار دیگری انجام می‌دهید، چون نوعی کار در جامعه انسان عادی است و از دیدگاه اصول جامعه انسان عادی، این خدمتی به جامعه انسانی در این بُعد است، باید آن را نیز به‌خوبی انجام دهید. برای اینکه بشر هم یک تجلی از زندگی در پایین‌ترین سطح دافای کیهان است.

پرسش: معلم، می‌خواهم از طرف مریدان آلمان درودمان را به شما بفرستم.

معلم: دعوت‌نامه از آلمان را دیدم. روسیه نیز در نوامبر گذشته وقتی هوا سرد بود یک دعوت‌نامه فرستاد. وقتی گرم‌تر شود زمانی برای رفتن پیدا می‌کنم.

پرسش: معلم، من به ژاپن مهاجرت کرده‌ام. همیشه خواسته‌ایم شما به ژاپن بیایید اگر در آینده فرصت داشتید.

معلم: وقتی کلاس‌هایی در گوانگجو برگزار کردم یک نفر از ژاپن شرکت می‌کرد. بعد از آن، او به ژاپن برگشت و چند نفر را گرد هم آورد، که همگی ژاپنی بودند. ظاهراً همه آنهایی که یاد گرفتند افراد محلی سالخورده بودند. بعد از یک دوره یادگیری، هنوز نمی‌توانست چی‌گونگی که قبلاً تمرین کرده بود را رها کند، بنابراین دیگر با او تماس نگرفتم. زیرا تمام آن کسانی که او به آنها آموزش داد نیز خالص نبودند، ما با او تماس نگرفته‌ایم.

پرسش: شوهر من ژاپنی است، اما دافا را بسیار دوست دارد. او فکر می‌کند آن بسیار خوب است.

معلم: شاید یک تفاوت فرهنگی وجود داشته باشد. اما به نظر من اگر یک ژاپنی بتواند واقعاً این را یاد بگیرد، برای آنها راحت‌تر از سفیدپوستان است، زیرا مردم شرق طرز فکر یکسانی دارند؛ غربی‌ها طرز فکر متفاوتی دارند. اما از وقتی غربی‌ها آن را آموخته‌اند، آنها نیز بسیار خوب بوده‌اند. من یکبار به ژاپن رفتم، اما فقط برای اینکه ببینم مردم ژاپن چطور عمل می‌کنند.

پرسش: اگر در آینده این دافا به فایی در قلب مردم تبدیل شود، مسائل در عرصه علوم اجتماعی، مانند فلسفه و ادبیات چگونه خواهد بود؟

معلم: همه چیز تغییر خواهد کرد. و کاملاً جدید خواهند شد. درک مردم از جامعه، از بشریت، و از همه چیز، همگی دگرگون خواهند شد. بنابراین اکنون بسیاری از شاگردانم در پکن می‌دانند که با بقیه مردم فرق دارند و جمله‌ای را دست به دست می‌کنند: «ما نوع بشر جدید هستیم.» البته من گفته آنها را تأیید نمی‌کنم، فقط ایده‌ای را نقل می‌کنم. این قطعاً متفاوت از فکر و درک مردم عادی از چیزها خواهد بود - بی‌گمان همین است. همانطور که به مطالعه این فا ادامه می‌دهید در اعماق خود یک فهم جدید از همه چیز خواهید داشت. کسانی از شما که اینجا حضور دارید، عناوین حرفه‌ای نسبتاً بالایی دارید، و بسیاری نیز از دانشجویانی هستید که در خارج درس می‌خوانند. وقتی به تدریج آن را تجربه می‌کنید و در مورد آن فکر می‌کنید، در می‌یابید که درک شما از همه چیز در مورد بشر دستخوش تغییری خواهد شد. زیرا، همانطور که گفتم، پیشرفت بشر، درک بشر از سرچشمه و سرمنشأ آن - تئوری تکامل اصلاً وجود ندارد - و درک آن از ماده، درک از جهان، درک از زندگی، درک از جهان پیش از ما، و درک از این فضای کیهانی همگی بر مبنای غلطی توسعه یافته است.

پرسش: روح اصلی چه وقت وارد می‌شود...

معلم: روح اصلی معمولاً کمی پیش از تولد وارد می‌شود، اما زمان مختص آن ثابت نیست. شاید لحظه‌ای پیش از تولد باشد، یا خیلی پیش از تولد - نصف ماه، یک ماه یا حتی زودتر - همگی امکان دارد.

پرسش: دیدگاه معلم در مورد اینکه بشر، شبیه‌سازی انسان را انجام دهد چیست؟

معلم: وقتی بشر هیچ اصول اخلاقی نداشته باشد هر کاری خواهد کرد. بعد از اینکه آن نوع انسان به دنیا بیاید، درکی از پدر و مادر ندارد و درکی از اصول اخلاقی بشری ندارد - وحشتناک است. حتی می‌توان یک شخص را از طریق شبیه‌سازی به وجود آورد تا جای خود آن شخص را بگیرد و او را بکشد. این چیزها فقط بعد از انحطاط اخلاقی بشر پدیدار می‌شوند. اما فکر نمی‌کنم شبیه‌سازی بشر اتفاق بیفتد، زیرا خدایان اجازه نخواهند داد. حتی اگر یک شبیه‌سازی به وجود بیاید، او آن شخص نخواهد بود - فقط یک اهریمن می‌تواند وارد او شود، چون خدایان به او روح اصلی نخواهند داد.

پرسش: اگر افراد نژاد مختلط، تزکیه را تمرین کنند، به کدام بهشت خواهند رفت؟

معلم: تا آنجا که به انسان‌ها مربوط است، افراد نژاد مختلط، دیگر نژادهای بشری متناظری در آسمان ندارند. اگر تزکیه‌کننده باشند، ظاهر بیرونی آنها دیگر مهم نیست و همگی به روح اصلی شخص بستگی دارد. اگر روح اصلی نژاد سفید باشد، او سفید است؛ اگر روح اصلی از نژاد زرد باشد، او زرد است؛ اگر روح اصلی از نژاد سیاه باشد، او سیاه است. اگر تزکیه کند موضوع فرق می‌کند.

پرسش: آیا شخصی با نژاد مختلط می‌تواند در تزکیه موفق شود؟

معلم: اینکه کسی بتواند تزکیه کند و اینکه آیا می‌تواند در تزکیه موفق شود همگی به خود شخص بستگی دارد. اگر شخصی از نژاد مختلط بتواند در تزکیه ثابت‌ق‌دم باشد، می‌تواند به همین ترتیب به کمال برسد. هنگامی که در تزکیه موفق می‌شود روح اصلی او به هر جایی که از آنجا آمده بود برمی‌گردد.

پرسش: دفعه پیش در مورد شخصی با نژاد مختلط که گم شده بود چه گفتید؟

معلم: او بدنی که با آن از بالا به اینجا آمده بود را از دست داده است. بگذارید اینطور بگویم: مردم نژاد زرد در بالا ملتی از نژاد زرد دارند، و مردم نژاد سفید در بالا ملتی از نژاد سفید دارند. او این رشته را گم کرده است.

پرسش: شما گفته‌اید که یک نوزاد فقط بعد از تولدش دارای یک روح اصلی می‌شود. پس آیا حقیقت دارد که در طی دوره حاملگی زندگی وجود ندارد؟ لطفاً توضیح دهید.

معلم: حقیقت ندارد. هر چیزی... گفته‌ام که وقتی هر چیزی خلق می‌شود یک زندگی وارد آن می‌شود. یک محصول که توسط کارخانه تولید شده، هر چیزی، شما آنها را اینگونه می‌بینید، اما همگی زنده هستند. وقتی جنین در بدن مادر خیلی کوچک است - لحظه‌ای که آن تکه کوچک از گوشت به وجود می‌آید - او زنده است. پس چطور می‌تواند بدون یک روح اصلی زنده باشد؟ بدون یک روح اصلی او باز هم خودش زندگی دارد. بخاطر اینکه به همراه انسان‌ها، علاوه بر خودشان... مگر تزکیه در گذشته در مورد سه روح و هفت جان سخن نمی‌گفت؟ البته، آنچه آنان گفتند صریح و روشن نبود. من فقط ایده‌ای به شما می‌دهم، به عبارتی، علاوه بر روح اصلی شما، بدن شما عناصر دیگری هم دارد که یک زندگی بشری را شکل می‌دهد. خود بدن گوشتی نیز با تصویرهای والدین تان دارای زندگی است - تصویر پدر و مادر نیز زنده هستند. بدن بشری از همان ابتدا بسیار پیچیده است.

پرسش: پس آیا سقط جنین هم کشتن محسوب می‌شود؟

معلم: درست است. سقط جنین در حاملگی کشتن است. بدون توجه به اینکه اخلاقیات بشر چگونه شده است، یا آیا نوع بشر یا قوانین او اجازه می‌دهد یا نه - قوانین نمی‌توانند نماینده خدایان باشند - اگر شما کشته باشید، کشته‌اید. ممکن است بحث کنید که طبق قانون نکشته‌اید - این چیزی است که انسان‌ها می‌گویند. ما متوجه شده‌ایم که در فضای اطراف بیمارستان‌های زنان و زایمان، بچه‌های زیادی هستند که جایی برای رفتن ندارند - آنها اعضای بدنشان را از دست می‌دهند، یا بدن‌های کاملی دارند، اما همگی زندگی جوان و کوچک بچه‌ها هستند. در اصل، این حیات‌ها باز پیدا شده‌اند، و ممکن بود آینده خودشان را داشته باشند و شاید چند سالی زندگی می‌کردند و بعد وارد چرخه دیگری از بازپیدایی می‌شدند. اما شما آنها را پیش از آنکه حتی به دنیا بیایند می‌کشید. پس او مجبور است دردمندانه از این سال‌های طولانی بگذرد - این موجود کوچک خودش یکه و تنها، خیلی غم‌انگیز است! او مجبور است منتظر بماند تا تمام سال‌هایش روی زمین که توسط آسمان در نظر گرفته شده است به پایان برسد، و فقط آن موقع می‌تواند وارد چرخه بعدی بازپیدایی شود. شما او را یکبار در چنین موقعیت دردناکی قرار می‌دهید - می‌توانید بگویید این کشتن نیست؟ علاوه بر این، این کارما بسیار بزرگ است. اگر بچه نمی‌خواهید از شیوه‌های پیشگیری از بارداری استفاده کنید.

پرسش: با این کارما، آیا شخص هنوز می‌تواند تزکیه کند؟

معلم: بله، البته که می‌تواند تزکیه کند. اما همانطور که گفته‌ام، دافای کیهان تماماً دربرگیرنده است. وقتی از یک سطح بخصوص دیده شود، فا مطلق می‌شود. سطوح مختلف فای مختلف دارد، و هر چه سطح بالاتر باشد، درک اصول واضح‌تر می‌شود. آن بخاطر این است که اگر شما بتوانید واقعاً تا کمال تزکیه کنید، آنها مطمئناً موجوداتی در جهان شما می‌شوند. پس بعضی افراد فکر می‌کنند: «خب نگران کشتن نباشیم.» کسی که اینگونه فکر می‌کند قطعاً نمی‌تواند در تزکیه موفق شود. و اگر در تزکیه موفق نشوید، نمی‌توانید از عهده بازپرداخت زندگی‌هایی که کشته‌اید برآید. درک می‌کنید چه می‌گویم؟ تزکیه می‌تواند برای این چیزها ترتیب داده شود، مشروط بر اینکه تزکیه حقیقی باشد. پس از کمال، نتیجه کارمایی تعیین خواهد شد.

پرسش: اگر سقط جنینی بیست سال پیش انجام شده باشد وقتی خوب نمی‌دانستم و آن مجاز بود، اگر حالا تزکیه را با چنین کارمای زیادی تمرین کنم چه اتفاقی می‌افتد؟

معلم: فقط بر تزکیه تمرکز کنید. در واقع، در مورد بسیاری از ما، چه کسی می‌داند در طی دوره زندگی‌های زیادی که داشته‌ایم در کدام زندگی چه کاری انجام داده‌ایم؛ و چه کسی می‌داند در هر دوره زندگی مشخص چه مقدار بدهی کارمایی داشته‌ایم. مردم امروز همگی با کارما روی کارما به این مرحله رسیده‌اند؛ افراد رها از کارما وجود ندارند. از قرار معلوم کسی نیست که یک زندگی را از بین نبرده باشد؛ کشتن لزوماً فقط به کشتن یک انسان اشاره ندارد. از آنجا که می‌توانیم شما را نجات دهیم، و از آنجا که شما قادرید تزکیه کنید، و فا را به دست آورده‌اید، به این چیزها فکر نکنید. فقط بر تزکیه تمرکز کنید و من نظم و ترتیب‌ها را درست می‌کنم. اگر شما به کمال برسید از این موضوع به خوبی مراقبت می‌شود.

پرسش: چندین نفر از شاگردان فالون دافا در آلمان شکارچی هستند. آنها می‌گویند روباه‌ها بدن‌های بشری را تصاحب می‌کنند و خوب نیستند. من هنوز این را نپذیرفته‌ام.

معلم: ما در مورد خود روباه‌ها صحبت نخواهیم کرد. احتمالش وجود دارد که آنها در آینده وجود نداشته باشند. اما به‌عنوان تزکیه‌کننده، باید سعی کنیم کارهایی برای کشتن انجام ندهیم. علاوه بر این، ما رحمت داریم. و اما در مورد تسخیر شدن توسط روباه‌ها، بسیاری از روباه‌ها قدرت‌های خاصی به دست آورده‌اند؛ بعضی روباه‌ها قدرت‌های خاص ندارند و قادر نیستند بدن بشری را تصاحب کنند.

پرسش: آیا بشر آینده نیاز دارد به سوی بالا تزکیه کند؟

معلم: تا آن زمانی که بشر آینده سر برسد، تقریباً تمام شما تزکیه‌تان را به پایان رسانده‌اید؛ اما آن [زمان] نیز زود فرا خواهد رسید. نوارهای صوتی و تصویری برای افراد آینده باقی نخواهند ماند، و آنها از تصویر من آگاه نخواهند بود. بعضی افراد می‌گویند من بسیاری از اسرار آسمان را فاش کرده‌ام. در واقع، افراد آینده آموزش فای من را نشنیده‌اند. افرادی که حالا در خیابان هستند از فای بی‌خبر هستند و نشنیده‌اند. البته، اگر شما بطور حقیقی تزکیه کنید، به کمال برسید، و ترک کنید، من در حال آموزش فا به خدایان هستم. بنابراین اسرار آسمانی برای انسان‌ها افشاء نشده است. افراد آینده وارد یک دوره شگفت‌انگیز می‌شوند، و تقریباً کمی نعمت و موهبت خواهند داشت. برای آنها نسبتاً سخت است تزکیه کنند، زیرا در یک محیط خوب، رنج زیادی وجود نخواهد داشت. بنابراین تمرین تزکیه اصلاً راحت نخواهد بود. اما از طرفی دیگر، طبیعی نیز خواهد بود - دنیای انسانی آنقدر خشن و بد نخواهد بود، و دوره‌ای برای تزکیه معمولی خواهد بود.

تزکیه پر از دشواری است. و به دشواری‌هایی که شما از آن رنج برده‌اید محدود نمی‌شود. این را قبلاً گفته‌ام: «در آن بالا به‌طور غیرقابل تحملی سرد خواهد بود.» چیزی که می‌گویم از آنچه مردم معمولی می‌گویند متفاوت است. یعنی، وقتی قلمروی شما بالا می‌رود، گونگ بالا می‌رود، هر چیز دیگری از شما نیز به همین ترتیب بهبود می‌یابند، و روش تفکر شما نیز تغییر می‌کند، متوجه

خواهید شد که افراد بی‌نهایت کمی با شما حرف مشترک دارند. به عبارتی خیلی احساس تنهایی خواهید کرد، و نوعی سختی درون خود حس خواهید کرد. بعد به همراه آن حالتی پیش می‌آید: به نظر می‌رسد حرف کمتری برای گفتن با افراد عادی دارید و تماس کمتری با آنها خواهید داشت، حتی با اعضای خانواده‌تان - مطمئناً اینگونه است. اما همه اینها طبیعی است. ما تمام تلاشمان را می‌کنیم تا این رابطه را متعادل کنیم. زیرا شما واقعاً نمی‌توانید یک شخص عادی در نظر گرفته شوید. زیرا شما خدایان هستید و چون دیگر افراد عادی نیستید... در گذشته، راهبی که تزکیه می‌کرد وقتی دنیای مادی را ترک می‌کرد، او یک نیمه‌خدا بود - البته راهبان امروزی اینطور نیستند، و آن کیفیت را نیز ندارند. چرا وقتی دنیای مادی را ترک می‌کرد گفته می‌شد که او یک نیمه‌خداست؟ قبلاً، کسی که تزکیه می‌کرد وقتی دنیای مادی را ترک می‌کرد، از تمام ارتباطات دنیوی دور افتاده بود. آیا فکر می‌کنید او هنوز انسان بود؟ البته او نمی‌توانست با یک انسان یکسان باشد. انسان‌ها نمی‌توانند بدون این احساسات معمولی انسانی زندگی کنند. بعد از اینکه تزکیه کنید و بطور حقیقی بهتر شوید، متوجه خواهید شد که به آنچه انسان‌ها به آن وابسته هستند وابسته نیستید، و آنچه که انسان‌ها عاشق حرف زدن در مورد آن هستند را واقعاً کسل‌کننده در نظر خواهید گرفت. بنابراین حتماً تفاوتی بین شما و انسان‌ها وجود دارد، و این شکاف مدام بزرگ‌تر می‌شود. اما شما هم نباید زیاد در مورد این جنبه از مسائل فکر کنید، زیرا وقتی وارد این حالت می‌شوید، آهسته و به تدریج در تماس با چیزهایی که باید با آنها تماس داشته باشید قرار خواهید گرفت، و به تدریج به باز شدن گونگ و روشن بینی خواهید رسید. شما خوشی‌های خودتان را دارید، انسان‌ها لذت‌های انسان‌ها را دارند، و البته، خدایان خوشی‌های خدایان را دارند.

پرسش: بچه‌هایی که در آمریکا بزرگ شده‌اند در چینی زیاد خوب نیستند. آیا در آینده باید آنها را به چین برگرداند؟

معلم: می‌توانم به شما بگویم در خارج، در مکان‌های بسیاری بوده‌ام و این مشکل را همه جا دیده‌ام، بنابراین وقتی مریدانم را می‌بینم اغلب به آنها چنین می‌گویم: مطمئن شوید کودکان تان چینی یاد می‌گیرند؛ شما نمی‌توانید خصوصیات نژاد زردتان را از دست بدهید. از آنجا که در بهشت سفیدپوستان جایی برای شما نیست، هنوز نیاز دارید به بهشت مردم نژاد زرد بازگردید. آنچه بیش از همه اهمیت دارد این است که وقتی فا را مطالعه می‌کنید نتوانید معنای حقیقی آن را درک کنید. امروز کتاب‌های ترجمه‌شده، برای افراد یک روند درک کردن در طی دوره انتقالی را فراهم می‌کنند. درست مانند کتاب *فالون گونگ* چینی ما، این فقط برای روند درک افراد است، در حالیکه در تزکیه حقیقی، شخص *جوآن فالون* را دنبال می‌کند. کتاب‌هایی که به زبان‌های خارجی ترجمه می‌شوند نیز برای دوره روند درک شما هستند. اگر شما می‌خواهید بطور حقیقی تزکیه کنید، لازم است متن اصلی را بخوانید. تنها از متن اصلی می‌توانید بدانید اوضاع از چه قرار است. ترجمه‌ها - هرچقدر هم خوب انجام شوند - سطحی هستند و معانی درونی ندارند. برای همین بسیاری از ما هر بار که کتاب را می‌خوانیم آن را متفاوت می‌یابیم؛ وقتی همان جمله را از قلمروی متفاوتی می‌خوانید آن کاملاً فرق می‌کند.

پرسش: بعضی شاگردان قدیمی تمایلی ندارند در گفتگوی شاگردان جدید شرکت کنند. آیا این پدیده صحیح است؟

معلم: ما نسبت به اینکه همه باید به محل‌های تمرین بیایند تا تمرین کنند سختگیر نیستیم. فقط به شما می‌گویم انجام تمرین‌ها بصورت گروهی و بحث و گفتگو میان شما در مکان‌های تمرین شما را قادر می‌سازد سریع‌تر رشد و بهبود یابید - آنها به شاگردان کمک می‌کنند بهتر شوند. اگر کسی بخواهد در خانه تمرین کند، می‌تواند در خانه تمرین کند - مسئله‌ای نیست. ما کسانی را داریم که خیلی خوب تزکیه کرده‌اند، و حقیقت دارد که تعداد زیادی از آنها در بین آن کسانی هستند که در خانه تمرین می‌کنند. اما کسانی نیز هستند که نمی‌توانند کوشا باشند و پیشرفت مستمر داشته باشند، و تعداد زیادی از آنها از خانه‌هایشان بیرون نمی‌آیند. پس نمی‌توانید آن را عمومیت دهید، همچنین نمی‌توانید این افراد را مجبور کنید. تمرین تزکیه همه‌اش در مورد قلب افراد است. اگر کسی قلباً نمی‌خواهد تزکیه کند، فایده اینکه مجبورش کنید بیاید چیست، درست؟ اگر نمی‌خواهد یک بودا شود، حتی بوداها نمی‌توانند کاری در مورد آن انجام دهند. فقط آنچه شخص می‌خواهد یا آنچه می‌خواهد انجام دهد به حساب

می‌آید. اما شما حس می‌کنید بیرون آمدن انگار به ما کمک می‌کند فا را منتشر کنیم؛ فکر می‌کنید این خوب است و او را مجبور می‌کنید به دیگران کمک کند. درواقع، این لزوماً صحیح نیست. تزکیه در خانه و تزکیه در بیرون مانند هم هستند.

اکنون به موضوع دیگری پی برده‌ام - البته، موضوعی که الان مطرح کردید نیست. متوجه شده‌ایم در سرزمین اصلی چین بسیاری از شاگردان قدیمی از دوره اولیه، دیگر برای تمرین بیرون نمی‌آیند، و اینکه تقریباً تمام آنهایی که بیرون تمرین می‌کنند هرگز آموزش فای من را نشنیده‌اند - بسیاری از آنها وجود دارند. از آنجا که این شکلی است که دافای ما به آن شکل منتشر می‌شود، این شکل برای شما باقی گذاشته شده است، و نسل‌های آینده نیز آن را به این شیوه انجام می‌دهد. این عالی است. آن به این معنی نیست که کسانی که برگشتند تا در خانه تمرین کنند دیگر خوب نیستند؛ بسیاری از آنها هم‌اکنون خیلی خوب تزکیه کرده‌اند. آنها متوجه شدند با شاگردانی که تازه تمرین را شروع کرده‌اند و درک عمیقی از فا ندارند حرف مشترکی ندارند - این وضعیت پیش می‌آید. آنها فکر می‌کنند چیزهایی که سایر شاگردان دوست دارند در موردش حرف بزنند وابستگی هستند، و احساس معذب بودن می‌کنند؛ شاید برای همین نمی‌آیند - این وضعیت وجود دارد. معمولاً، وقتی انسان‌ها کاری انجام می‌دهند، یک وابستگی یا یک هدف دارند. اگر شخصی خیلی خوب تزکیه کند، وقتی هیچ وابستگی بشر عادی نداشته باشد نمی‌تواند بودن با انسان‌ها را تحمل کند. نمی‌تواند حتی یک جمله از انسان‌ها را تحمل کند - هر جمله، هر فکر، و افکار در ذهن مردم دارای هدفی هستند. وقتی ذهن شما تمیز و روشن باشند، وقتی چیزی وجود نداشته باشد، هر چیزی که دیگران فکر می‌کنند را خواهید فهمید. و بعد قادر نخواهید بود حتی هیچ فکری، هیچ حرکتی، یا هیچ جمله‌ای از دیگران را تحمل کنید، و احساس آزرده‌گی می‌کنید. فقط حس می‌کنید نمی‌توانید آن را به روشنی برایشان توضیح دهید، و بنابراین بیرون نمی‌روید - مواردی مانند این وجود دارد، اما همه اینطور نیستند. اما فکر می‌کنم بهتر است شاگردان جدید ما برای تمرین بیرون بیایند. چرا؟ زیرا این حقیقتاً به شما کمک می‌کند بهتر شوید. اگر برای تمرین بیرون نمی‌آیید و به جای آن در خانه تمرین می‌کنید و سعی می‌کنید خودتان به تنهایی به مسائل روشن و آگاه شوید البته که قادر خواهید بود روشن بین شوید، اما آهسته خواهد بود - چه کسی نمی‌خواهد پیشرفت مستمر داشته باشد؟ چه کسی نمی‌خواهد سریع بهتر شود؟

پرسش: وقتی کاری انجام می‌دهیم و نمی‌دانیم که آیا باید آن را انجام دهیم یا خیر، چطور از جن-شن-رن به عنوان راهنما استفاده کنیم؟

معلم: درواقع، این در مورد اینکه کاری باید انجام شود یا نشود نیست. شما متوجه نیستید مردم اغلب در موقعیت‌های خاصی گیر می‌افتند و بعد قادر نیستند خوب و بد را ارزیابی کنند. چرا من قادر هستم همه چیز را در مورد وضعیت توسعه بشر کنونی ببینم؟ می‌توانم همه چیز را توضیح دهم زیرا درون آن نیستم. وقتی به موضوعی نگاه می‌کنید، وقتی درون آن گیر افتاده‌اید به آن نگاه نکنید، موضوعات را بصورت مجزا و از داخل آن موضوع خاص ارزیابی نکنید. از آن بیرون بپرید و نگاه دقیقی به آن بیندازید، ببینید در هماهنگی با جن-شن-رن هست یا نه. چطور کسی که خوب تزکیه کرده است، یا یک خدا یا یک بودی‌ساتوا آن را اداره می‌کند؟ اینگونه به آن فکر کنید و به محض اینکه افکار درست ظاهر شدند خواهید فهمید.

پرسش: محیط‌های پیچیده، اشخاص سطح بالا به وجود می‌آورند. محیط سرزمین اصلی چین مطمئناً بسیار پیچیده‌تر از آمریکاست، پس تزکیه در چین سریع‌تر است.

معلم: همه آنها پیچیده هستند؛ آنها به شکل‌های مختلف پیچیده هستند. درگیری‌های روانی میان مردم در سرزمین اصلی چین واقعاً شدید است - فریب کاری‌های آنها علیه یکدیگر سخت و جدی است. اما در آمریکا، آسیب وارد شده به فرهنگ ظاهری بسیار جدی است، و ماهیت اهریمنی بسیار عظیم است. بنابراین هر کسی می‌تواند در هر مکانی تزکیه را تمرین کند.

پرسش: هوا آلودگی سنگینی دارد. آیا این برای تزکیه بد است؟

معلم: خیر، برای ما تزکیه‌کنندگان این مشکلی نیست. از آنجا که بدن شما به تدریج توسط ماده با انرژی بالا جایگزین می‌شود، این چیزها شما را آلوده نمی‌کند.

پرسش: آیا تزکیه می‌تواند بر محیط خارجی تأثیر بگذارد، شامل محیط طبیعی، محیط اجتماعی، یا حلقه اجتماعی خود تزکیه‌کننده و محیط زندگی تا به سمت خوبی و در جهت جن-شن-رن حرکت کند؟

معلم: این تأثیر را ایجاد می‌کند، فقط بسیار ظریف و نامحسوس است و نمی‌تواند به راحتی مشاهده شود. هر چیزی که با شما سر و کار داشته باشد دستخوش تغییرات ظریف و نامحسوسی می‌شود- تغییراتی از دو نوع. یکی اینکه بعضی‌ها از شما دورتر و دورتر می‌شوند، و دیگری اینکه بعضی‌ها به شما نزدیک و نزدیک‌تر می‌شوند- به عبارتی، آنها بهتر و بهتر می‌شوند. بعضی‌ها کلاً شما را رها می‌کنند؛ آنهایی که به قدر کافی خوب نیستند جدا می‌شوند- این اتفاق می‌افتد. تغییرات بسیار نامحسوس هستند.

پرسش: معلم، نهایتاً تأثیر وضعیت نیم‌لوتوس در برابر وضعیت لوتوس کامل هنگام انجام مدیتیشن چیست؟

معلم: یک عنصر بنیادین تزکیه وجود دارد، یک مکانیزم درونی. مکانیزم تمرین لوتوس کامل ما درست مانند یک ماشین است. چرخ‌دنده‌های ماشین قرار است به این شکل نصب شوند، اما اگر اصرار داشته باشید آن را به شکل دیگری نصب کنید قادر نخواهد بود چیزی تولید کند. اما این لزوماً مطلق نیست، چراکه برخی افراد به یک روند پیشرفت تدریجی احتیاج دارند. اگر اکنون نمی‌توانید پایتانه را ضربدر کنید، سعی کنید به تدریج انجامش دهید. بنابراین ما هنوز هم راه‌هایی برای رسیدگی به آن داریم. باید تمام تلاش‌تان را بکنید تا خودتان را برسانید.

پرسش: وقتی وضعیت نشستن لوتوس را انجام می‌دهم، اگر ساکن نشوم، به تمرکز هم نمی‌توانم برسم. این یعنی سطح من پایین است و نمی‌توانم به سطوح بالاتر بروم.

معلم: اگر به محض نشستن بتوانید به دینگ برسید، سطح کنونی شما هم‌اکنون بسیار بالاست. این قبلاً در کتاب مورد بحث قرار گرفته است. اگر واقعاً نمی‌توانید وارد تمرکز (دینگ) شوید، فکری که نمی‌تواند سرکوب شود را صرفاً طوری در نظر بگیرید که گویی فکر شخص دیگری است. درواقع، بگذارید به شما بگویم که این در درجه اول شما نیستید- این ترکیبی از عقاید اکتسابی بعد از تولد و کارمای فکری است. شما در اصل می‌خواستید در مدیتیشن بنشینید و وارد سکون شوید، اما چرا آن ساکن نیست؟ آن به شما گوش نمی‌دهد- آیا آن می‌تواند شما باشد؟ این کارماست که آشفته‌تان می‌کند، پس باید آن را به‌عنوان شخص دیگری در نظر بگیرید. وقتی وابستگی‌هایتان را سبک کنید به تدریج بیشتر و بیشتر می‌توانید به سکون برسید، و سطح شما نیز بهتر می‌شود.

پرسش: همیشه هنگام انجام تمرین‌ها احساس خواب‌آلودگی می‌کنم. می‌توانید به من بگویید آیا باید بخوابم، یا این اهریمنی است که باید با آن مبارزه کنم؟

معلم: خود خوابیدن اهریمن نیست. این چنین عاملی است که انسان‌ها باید استراحت کنند. همچنین یکی از چیزهایی است، یکی از عواملی، که جهان را نظم و ترتیب می‌دهد. اما به‌عنوان یک تزکیه‌کننده، اگر در طی تزکیه بخوابید این می‌تواند نقش یک اهریمن را ایفاء کند، و شما را از تزکیه دور نگه دارد. آن خودش یک اهریمن نیست، اما می‌تواند آن نقش را ایفاء کند. اما از سوی دیگر، آن همچنین تأثیر تقویت اراده شما را نیز دارد. آیا نیاز ندارید اراده‌تان را تزکیه کنید؟ باید اراده‌تان را قوی کنید، و مهار آن، تقویت اراده‌تان است- آن همچنین تزکیه است. احساس خواب‌آلودگی در حین انجام تمرین‌ها خودش نیز یکی از آثار کارمای فکری است.

پرسش: مایلم بیرسم مکانیزم‌های انرژی دقیقاً چه هستند.

معلم: مکانیزم‌های انرژی مکانیزم‌های پویایی هستند که از مواد بسیار میکروسکوپی گونگ تشکیل شده‌اند- سطوحی که انسان‌ها نمی‌توانند ببینند. این مکانیزم‌ها شکلی دارند، اما انسان‌ها نمی‌توانند آن را ببینند. وقتی تزکیه شما در آینده به نقطه مشخصی برسد و چشم سوم شما نسبتاً خوب باز شود، قادر خواهید بود آن را ببینید. مانند یک کمر بند است، یک کمر بند سفید، که اطراف بدن شما عمل می‌کند. اما آن به فالون درون میدان اکسیر (دن تی/ن) شما متصل است. وقتی تمرین‌ها را انجام می‌دهید بطور مستمر تقویت می‌شود. هرچه این مکانیزم‌ها قوی‌تر باشند، تمرین خودکار شما را بهتر به پیش می‌رانند. یعنی، حتی زمانی که شما تمرین‌ها را انجام نمی‌دهید آنها می‌چرخند- آنها به تمرین خودکار شما کمک می‌کنند. تمام پنج تمرینی که آموزش داده‌ایم این مکانیزم‌ها را به شکل مؤثری دارند. بنابراین گرچه خودتان را می‌بینید که بی‌حرکت اینجا ایستاده‌اید، مکانیزم‌های بدن شما هستند که به عقب و جلو حرکت می‌کنند، و تبدیل تمام بدن شما را پیش می‌برند.

پرسش: آیا بهشت فالون دارای آواز فالون است؟

معلم: این انجام کار تبلیغات و جنبه بشری دادن به مسائل است. چطور فای بودا می‌تواند آنقدر غیرجدی باشد؟! امروز مردم بوداها را بشری کرده‌اند. اما بوداها بطور بی‌نظیری خدایان بزرگی هستند. در گذشته وقتی مردم به بوداها اشاره می‌کردند، یک حس احترام بی‌حد و مرزی سر برمی‌آورد. امروزه بطور سرسری به آنها اشاره می‌کنند. تصاویر بوداها، بودی‌ساتواها، و مریم مقدس حکاکی می‌شوند و در قبرستان‌ها قرار داده می‌شوند- این بی‌حرمتی به بوداها، بودی‌ساتواها و مریم مقدس است. آنها توسط سنگ قبر مردگان احاطه می‌شوند. انسان‌ها نمی‌دانند در حال انجام چه کاری هستند. فکر می‌کنند خیلی هم خوب است، و می‌خواهند بوداها، بودی‌ساتواها و مریم مقدس از مردگان مراقبت کنند- انگار به خدایان دستور می‌دهند. آیا اینگونه نیست؟ در واقع، اینها تماماً چیزهایی است که از افکار گناه‌آلود انسان‌ها زاده می‌شوند. بسیاری از روش‌های چی‌گونگ آن رقص‌ها و آوازها را انجام می‌دهند. آن چیزها با تزکیه چه ارتباطی دارند؟ علاوه بر این، آنها وابستگی احساسات افراد را تحریک می‌کند. این نگاه کردن به بوداها، داثوا و خدایان با افکار انسانی و روش‌های تفکر بشری است. در حقیقت اصلاً نمی‌توان از روش فکری بشری برای فکر کردن درباره آنها استفاده کرد. وقتی خیلی خوب تزکیه کرده باشید، و تنها زمانی که دیگر مانند آنها این افکار بشری را نداشته باشید می‌توانید به کمال برسید.

پرسش: ما در حالتی از «قصه داشتن» زندگی می‌کنیم. باید آن تمایلات را در زندگی معمولی خودمان از بین ببریم. گاهی اوقات گیج می‌شوم و مرا خیلی عصبی می‌کند.

معلم: می‌خواهید بگویید وقتی تزکیه می‌کنید، حس می‌کنید سطح مشخصی از درک فا را پرورش داده‌اید و باید بهتر شوید و از افکار مشخصی رها شوید؛ اما متوجه می‌شوید این افکار مشخص هنوز وجود دارند و شما را بر سر دوراهی قرار می‌دهند: «چرا هنوز افکاری مثل این دارم؟» و خودتان را درگیر می‌بینید. درست نیست؟ بگذارید به شما بگویم- دفعه پیش این را توضیح دادم- اگر قرار بود تمام افکار انسانی که شما را قادر می‌سازد زندگی یک انسان معمولی را حفظ کنید از بین ببرید، نمی‌توانستید حتی یک روز هم بین مردم عادی بمانید. هر کاری که انسان‌ها انجام می‌دهند، توسط وابستگی‌ها برانگیخته می‌شوند، پس قادر نخواهید بود حتی یک فکر بشری را تحمل کنید. هیچ نمی‌دانید چه حسی دارد وقتی این افکار را نداشته باشید ولی با انسان‌ها باشید. پس برای اینکه میان مردم عادی تزکیه را تمرین کنید، تنها بعد از کمال، بیرونی‌ترین سطح شما تبدیل خواهد شد و تمام وابستگی‌هایتان از بین خواهد رفت.

پرسش: بعد از رسیدن به کمال، افراد سفیدپوست به کدام بهشت می‌روند؟

معلم: این سؤال قبلاً مورد بحث قرار گرفته است. برخی از ما ممکن است تصاویری از بوداها را در *جوآن فالون* دیده باشیم؛ برخی شاید در نسخه انگلیسی *جوآن فالون* خدایانی دیده باشند که مانند مریم مقدس و عیسی لباس پوشیده باشند- خدایانی با تصاویر سفیدپوستان- در تک تک کلمات. گرچه شما دافای ما را تزکیه می کنید... گفته ام ما از مدرسه بودا هستیم، اما من سرشت کل کیهان را آموزش می دهم، اصول کیهان را- فای کیهان را. پس البته که خدایان نیز در آن شامل می شوند. پس اگر یک سفیدپوست به کمال برسد، گونگ تزکیه شده در بدن او نیز یک تصویر سفیدپوست به خود خواهد گرفت، و پس از رسیدن به کمال به یک بهشت سفیدپوست خواهد رفت؛ کودکان کوچکی (*ببینگ های*) که آنها تزکیه می کنند همگی بال دارند. البته در مورد مدرسه دائو نیز چنین است.

پرسش: چطور می توان کارمای کشتن را پس داد؟

معلم: ما مریدان زیادی داریم که در طی دوره تزکیه شان با حوادث خطرناکی مواجه شده اند- تصادف رانندگی، سقوط از جاهای بلند، و بسیاری تصادفات دیگر. پس از آن، شاگردان مان احساس شادی کردند- مطمئناً ارزش شاد بودن را دارد. البته، همانطور که در فا توضیح داده ام، این برابر است با پرداخت مقدار عظیمی از کارما که در گذشته تولید شده بود، و می تواند حتی با بازپرداخت یک زندگی برابر باشد. اگر آن زندگی واقعاً برایش پرداخت شده باشد، نام شما از جهنم خط می خورد زیرا شما هم اکنون برای آن زندگی پرداخت کرده اید.

درواقع، فکر نکنید که بعد از تصادف اتفاقی برایتان نمی افتد- یک شما که از کارما ساخته شده است، واقعاً مرده است. علاوه بر آن، آن بدن افکار داشت، قلب و اعضای داشت که از کارمای بد شما ساخته شده بودند؛ آن در تصادف مرد، و تماماً از کارما درست شده بود. ما چنین کارهای فوق العاده خوبی برای شما انجام داده ایم، و چنین مقدار عظیمی از کارمای شما را از بین برده ایم و با آن برای زندگی ها پرداخت کرده ایم- هیچ شخص دیگری این کار را نمی کند. ما فقط به این خاطر آن کار را می کنیم تا شما بتوانید تزکیه کنید. وقتی این را متوجه شوید هیچ راهی برای سپاسگزاری از من نخواهید داشت.

پرسش: چطور به کمال می رسیم؟

معلم: ما این فای خودمان را اشاعه می دهیم تا بنتی انسان به یک بدن بودا تبدیل شود. این مسیری است که در پیش می گیریم؛ ما روش نیروانا را در پیش نمی گیریم، یا روش «تبدیل [شدن به] نور»، یا روش «آزاد شدن از جسد» در مدرسه دائو، که در آن یک چوب بامبو تبدیل به بدن انسان می شود و در تابوت قرار داده می شود را به کار نمی بریم. ما آشکارا و شکوهمندانه می گذاریم مردم ببینند شما به کمال می رسید، زیرا بدن شما از قبل تبدیل شده است.

پرسش: معلم گفته اند وقتی شخصی میان مردم عادی تزکیه می کند باید شغل مردم عادی را داشته باشد... می خواهم شغلی پیدا کنم که بدون آنکه وقت زیادی برایش بگذارم آن را بخوبی انجام دهم، تا بتوانم برای تزکیه وقت بگذارم.

معلم: همه ما این فکر را داریم. همه شما می خواهید شغل ساده ای پیدا کنید تا بتوانید وقت بسیار زیادی برای تزکیه داشته باشید و در همین حین قادر باشید کار خوبی انجام دهید. یک فکر، هر چه باشد، فقط یک فکر است. انگیزه های شما احتمالاً بخاطر تزکیه است. اما اغلب اوقات مسائل آنطور که ما آرزو می کنیم نیستند، زیرا وضعیت هر کسی فرق دارد. تا زمانی که وابستگی قوی نداشته باشید- بر انجام آن به شکل خاصی اصراری نداشته باشید- بدن قانون من چیزها را برای شما به خوبی نظم و ترتیب می دهد. می توانید یک شغل معمولی داشته باشید و تزکیه را نیز به همان شکل تمرین کنید.

پرسش: برخی افراد درمی یابند که خواندن *جوآن فالون* به سبک حروف سنتی با خواندن آن به سبک حروف ساده سازی شده متفاوت است، که این یک احساس متفاوت است.

معلم: به نظر نمی‌رسد اینگونه باشد. باید مانند هم باشند. یک مسئله وجود دارد: از زمان انقلاب فرهنگی در سرزمین اصلی چین، فکر مردم تغییرات چشمگیری کرده است. وقتی به این موضوع می‌رسد، مردم تایوان و چین که در خارج از آسیای جنوب شرق یا دیگر مناطق هستند طرز فکری کمی متفاوت دارند. آیا به خاطر این است که شما تمایل دارید جوآن فالون به سبک حروف سنتی را با آن عقاید قبلی خودتان بخوانید- همین که سبک حروف ساده‌سازی شده را می‌خوانید، حس می‌کنید با چیزهایی از چین که با آن راحت نیستید آشفته می‌شوید؟ این در واقع یک سد روانی خود شماست.

پرسش: بعضی وقت‌ها وقتی جوآن فالون را می‌خوانم نمی‌خواهم کتاب را زمین بگذارم، و نمی‌خواهم حرکات تمرین را نیز انجام دهم.

معلم: اگر هنگامی که جوآن فالون را می‌خوانید نمی‌خواهید آن را زمین بگذارید، خوب به خواندن ادامه دهید- خوب است. اشکالی ندارد تمرین‌ها را بعداً انجام دهید. خوب است کتاب را بیشتر بخوانید- مطالعه فا در درجه اول اهمیت است.